

در امتداد تاریکی

ماجرای تکان دهنده یک زن جوان

وقتی بعد از ۵ سال زندگی مشترک از پسر ناپدری ام طلاق گرفتم، در گیر ماجرای تکان دهنده ای شدم که بالاخره در فراز و نشیب های اشتباهات وحشتناک به دره تباهی سقوط کردم.... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۵ ساله در حالی که بیان می کرد ۶ ماه قبل توسط ماموران همین کلانتری دستگیر شدم و اکنون مدت کوتاهی است که از مرکز ترک اعتیاد بیرون آمده ام، در باره سرگذشت دلپره آور و تاسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: فقط ۴ بهار از عمرم گذشته بود که پدرم من و مادرم را رها کرد اما نجسالت و درگیری های آن ها همچنان ادامه داشت تا این که بالاخره ۶سال بعد، این کشاکش های خانوادگی با طلاق مادرم به پایان رسید. چندماه بعد مادرم زن دوم مردی شد که ۲ فرزند دیگر داشت.

در این شرایط «تورج» مرا که ۱۲ سال بیشتر نداشتم برای پسر ۲۵ ساله اش خواستگاری کرد، با وجود مخالفت های مادرم من از خاله ام خواستم تا واسطه از دواج من و ایرج شود اگر چه او همسرش را طلاق داده و یک فرزند خردسال هم داشت اما من در آن سن نوجوانی تصویری که دم باین کار رشته محبت بین مادر و ناپدری ام بیشتر می شود. اما ایرج معتاد بود و گاهی به شوخی سیخ داغ را به دستم می چسباند.

مادرم که زجر کشیدن مرا می دید از تورج طلاق گرفت و برای پرستاری از سالمندان به تهران مهاجرت کرد. بعد از این ماجرا سوءظن و تهمت های شوهرم بیشتر شد به طوری که اجازه نمی داد حتی برای خرید مایحتاج روزانه از خانه بیرون بروم به گونه ای که دیگر نتوانستم این وضعیت را تحمل کنم و در سن ۱۷ سالگی از ایرج جدا شدم و نزد مادرم رفتم.

مادرم با مرد دیگری به نام «ابراهیم» ازدواج کرده بود، من هم برای مدت کوتاهی به عقد پسرری جوان درآمدم که به محل کارم در فروشگاه لباس رفت و آمد داشت اما ابراهیم که مردی معتاد و کلاهبردار بود، چند بار با چرب زبانی از آن پسر پول قرض کرد و دیگر بازنگرداند. او هم از من سرد شد و مرا رها کرد. از آن به بعد به عقد موقت چند نفر دیگر درآمدم اما هیچ کدام پایدار نبودتا این که روزی در یکی از پارک های تهران با جوانی به نام اتابک آشنا شدم.

او مدعی شد قصد دارد مرا با خودش به یکی از کشورهای همسایه ببرد. در کمال ناباوری خیلی خوشحال شدم و او خیلی زود برایم گذرنامه گرفت. وقتی به آن کشور رسیدیم تازه فهمیدم که اتابک از من برای قاچاق شیشه سوءاستفاده کرده است. ولی زمانی که ۱۵ میلیون تومان به من داد و من هم به حساب ناپدری ام واریز کردم، دیگر اعتراضی نداشتم و این ماجرا چندبار دیگر تکرار شد و بالاخره تصمیم گرفتم در آن کشور اقامت کنیم. یک بار اتابک به تنهایی مقداری شیشه به آن کشور قاچاق کرد ولی مواد مخدر مرغوب نبود و خریدار آن ها را پس فرستاد. اتابک هم که به مخمصه افتاده بود آن ها را به فرد دیگری داد و این گونه پلیس ما را شناسایی کرد اما فقط مقدار بسیار اندکی شیشه مصرفی شوهرم را پیدا کردند و مافقط ممنوع الخروج شدیم ولی مدتی بعد شوهرم با شگردی از آن جا گریخت و من هم داخل تاج یکی از کامیون ها مخفی شدم و به ایران بازگشتم. دیگر هیچ پولی نداشتمیم به همین خاطر یک دستگاه خودروی وانت را با حيله گری و دادن سفته از مردی خریدیم که در سایت دیوار آگهی داده بود ولی شوهرم نه تنها اقساط آن را نداد بلکه برای تأمین هزینه های اعتباردامن نیز دچار مشکل بودیم چرا که در همین روزها من هم به مصرف شیشه آلوده شده بودم. وقتی بدهکاری هایمان زیاد شد دوباره به مشهد آمدمیم اما صاحب وانت اتابک را پیدا کرد و او را در حالی به مرکز ترک اعتیاد در تهران بردند که ناپدری ام نیز به جرم کلاهبرداری در زندان اوین به سر می برد.

حدود یک ماه بعد ماموران کلانتری طبرسی شمالی مشهد مرا نیز در حدود ساعت ۳ بامداد به ظن سرقت دستگیر کردند که به خاطر اعتیادم با دستور قضایی به مرکز ترک اعتیاد فرستاده شدم. بعد از خروج از آن جا در جست و جوی شغلی بودم که با مشاهده یک آگهی در یکی از سایت های واسطه گر برای امور نظافت و خانه داری به بلوار طبرسی شمالی آمدم اما آن مرد مرا فریب داد و من سپیده دم از خانه او بیرون آمدم که باز هم مورد ظن گشت انتظامی قرار گرفتم اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد احمدآبادکه (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) تحقیقات برای کشف جرایم احتمالی این زن جوان ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دیوان عالی کشور حکم قصاص نفس عامل جنایت در جشن تولد مختلط را تایید کرد

رقص مرگ با کیک سیاه!

سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com



جوانی که به قصد آزار یک دختر جوان در جشن تولد مختلط خون به پا کرده، در حالی باتایید حکم قصاص نفس در دیوان عالی کشور به چوبه دار نزدیک شد که «رقص مرگ با کیک سیاه» بوی خون گرفته بود. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای این جنایت دلپره آور که چند مجروح نیز در برداشت، از آن جا آغاز شد که آهنگ های مستی و شیطانی از بلندگوهای رقص نوردار، در فضای جشن تولد مختلط پیچید و بساط مشروب خوری نیز مقابل دیدگان دختران و پسران مهمان به خودنمایی نشست.

میزبان ۲۶ساله که در غیاب اعضای خانواده اش، منزل را با بادکنک های سیاه آراسته بود، یک سیاه سفارشی را نیز درون یخچال گذاشت تا بارقص چاقو درهم آمیزد. طولی نکشید که پیمانه های شراب با پایکوبی و آهنگ های شیطانی همراه شد و مهمانان جشن تولد، رنگ مستی گرفتند.

در این میان اما «محسن» گ- در حالی که وانمود می کرد از خود بیخود شده است، دست دختر جوانی را افشرد تا او را به خلوتگاه شیطانی بکشاند ولی در یک

لحظه برادرش کاظم و میزبان جشن را مقابل خود دید که تلاش می کردند تا او را از این رفتار شیطانی بازدارند!

صدای موسیقی وحشت، فضای پذیرایی را فراق گرفته بود که ناگهان «محسن» کنار در اتاق ایستاد و دشنه ترسناک را از غلاف بیرون کشید. وقتی برق تیغه دشنه در هوا درخشید ترس و دلپره های عجیب و جود مهمانان را لرزاند. حالا دیگر رقص مرگ با آهنگ شیطانی همراه شده بود که درگیری وحشتناکی میان مهمانان رخ داد و «محسن» نیز اگر چه برادرش را هم مجروح کرد اما در یک



لحظه دشنه را چنان بر قفسه سینه جوان ۳۰ ساله ای به نام «علی» فرود آورد که تیغه آن در لابه لای استخوان های او شکست و دو نیم شد. همزمان با وقوع این حادثه دلپره آور، تعداد زیادی از مهمانان دختر و پسر پا به فرار گذاشتند و چندتن از مجروحان نیز در خون خود می غلتیدند که «یک سیاه» بوی خون گرفت و چندتن از مهمانان سوار بر پراید «علی-س» را از منطقه قاسم آباد به بیمارستان طالقانی رساندند اما او بر اثر خونریزی شدید عوارض ناشی از اصابت دشنه به قفسه سینه جان سپرد. طولی نکشید که با گزارش این جنایت به قاضی ویژه قتل عمد مشهد، بی درنگ قاضی دکتر صادق صفری در همان دقایق اولیه بامدادی مراکز درمانی شد و بدین ترتیب تحقیقات قضایی در باره این پرونده جنایی ادامه یافت. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بررسی های میدانی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد بیانگر آن بود که «محسن-گ» در حالی که نیمه دیگر تیغه دشنه در دستش باقی مانده از پشت بام منزل مسکونی گریخته و سپس در بیمارستان طالقانی بستری شده است. اما از پراید سوارانی هم که پیکر خون آلود مجروح حادثه را به بیمارستان برده اند، خبری نبود. به همین دلیل گروهی تخصصی

از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی با دستور مقام قضایی تحقیقات گسترده ای را با بازجویی از «محسن-گ» آغاز کردند و تعدادی از متهمان این پرونده را هم به پلیس آگاهی انتقال دادند. در همین حال متهم به قتل که با نصایح مقام قضایی به ارتکاب جنایت اعتراف کرده بود، مدعی شد قصد تعرض به دختر را نداشتم فقط می خواستم او را به داخل اتاق بکشانم که مشروب بیشتری نخورد! «محسن-گ» همچنین تیغه دیگر دشنه را که لابه لای کولرهای پشت بام انداخته بود، تحویل کارآگاهان داد و در بازسازی صحنه جنایت نیز مجرای قتل و فرار از پشت بام تا پردین به روی شاخه نازک درخت

آژیر پابندهای الکترونیکی به صدا در نمی آیند

سرقت در محدوده!

سبکبار (رئیس کلانتری شفا) شیوه عملیات را به تعقیب نامحسوس تغییر دادند تا این که بالاخره بعد از ۱۰ دقیقه تعقیب، راننده در مکانی خلوت توقف کرد و از خودرو پیاده شد.

در این شرایط نیروهای انتظامی بلافاصله راننده ۵۲ساله را به محاصره درآوردند و او را دستگیر کردند اما مرد دیگری که سرنشین خودرو بود با استفاده از تاریکی شب متواری شد. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است در بازرسی از داخل پراید سرقتی، تعدادی ابزار و آچار به همراه ضبط و پخش نو، از زیر صندلی جلو در حالی کشف شد که کپسول گاز، زاپاس و برخی دیگر از قطعات و لوازم پراید باز شده بود. طولی نکشید که عوامل گشت انتظامی با مشاهده پابندهای الکترونیکی در پای متهم مذکور متوجه شدن دوی از مجرمان حرفه ای است که ۶ فقره سابقه کفیری در کارنامه سیاه خود دارد. از سوی دیگر با انتقال سارق میانسال به مقر انتظامی، بازجویی های تخصصی از وی در دایره تجسس کلانتری آغاز و یک جلد دسته چک نیز به نام یک زن از درون جیب های وی کشف شد. بررسی های پلیس بیانگر آن بود که «فرهاد-ر» ۹ ماه قبل نیز به اتهام سرقت خودرو دستگیر و روانه زندان شده است اما با هم با پابندهای الکترونیکی

با دستگیری دزد حرفه ای لورفت

وسوسه سرقت یک هفته بعد از آزادی!

مشهد) عملیات های ویژه ای را در راستای دستگیری سارقان آغاز کرده بودند، به جوانی مظنون شدند که بی هدف در حال پرسه زنی بود و در گوشه ای از خیابان عابران را زیر نظر می گرفت. ماموران انتظامی که دیگر یقین داشتند، جوان مذکور در پی دستبرد به اموال مردم است، بی درنگ او را دستگیر کردند و مورد بازرسی قرار دادند. با کشف یک دستگاه گوشی تلفن سرقتی از وی، مشخص شد که او از سارقان حرفه ای است. این متهم جوان در

سجادیپور- دزد جوانی که با سپردن وثیقه به دادسرای مشهد تا زمان رسیدگی به پرونده سرقت آزاد شده بود، در حالی یک هفته بعد از آزادی دوباره دستگیر شد که در جست و جوی طعمه دیگری برای سرقت بود. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، نیروهای کلانتری رسالت مشهد که با دستور و با بهره گیری از تجربیات سرهنگ حسین قدیمی (سرکلانتر شمال



کارمند اداری	کار گرساده	مراقب کودک و سالمند	مهندس	نجار و ام دی اف کار	مشاغل گوناگون	اداری و مالی	گوناگون	بازار خودرو	
به ۱ نفر همکار خانم جهت امور دفتری با سابقه کار و ضامن معتبر در شرکت تولیدی نیازمندیم	به یک کارگر ساده برای فروشگاه مبلمان واقع در شقای۲۵ نیازمندیم. حقوق عالی ۰۹۱۲۰۹۱۸۹۱۵	استخدام خانم جهت مراقبت از کودک و سالمند و بیمار در منزل در شفیت روزی یا شبانه روزی مدیرمسئول: دکتر ابرج عائف میدان احمدآباد- بلوار کلاهدوز نبش کلاهدوز ۹۱- پلاک ۸۳ طبقه ۲ ۰۹۱۵۵۱۶۳۲۹۹ ۰۹۱۵۳۱۵۰۰۴ ۳۸۴۴۳۰۰	مهندس شیمی (کلیه گرایش ها) « خانم » شرکت معتبر با حقوق و مزایا عالی، ترجیحا بدون سابقه کاری ۰۹۱۵۱۲۳۸۰۰۳	نیروی ماهر ونیمه ماهر جهت جهت ام دی اف کاری نیازمندیم محدوده طلاب ۰۹۱۵۲۰۹۱۷۵۵	شرکت تولیدی معتبر در شهرک صنعتی توس به تعدادی نیروی خط تولید آقا با حقوق توافق+ بیمه +سرویس نیازمندیم ۰۹۱۵۶۲۷۲۳۲۳	ثبت شرکت و نام تجاری اخذ کلیه مجوزهای تولید، استاندارد پایانکار صنعتی، کارت بازرگانی، جواز پروانه و... ۰۹۱۵۱۲۳۸۰۰۳	کارت کار بنام احمد امید گلستانی فرزند حاجی شیراحمد شفل: رابری ش اختصاصی ۰۹۳۴۸۸۴۳۹۵۷۳ مفقود شده و فاقد اعتبار است	اسقاط خودرو خودرو فرسوده،خاوش،روشن تصادفی شمارابه بالاترین قیمت خریداریم. ۰۹۱۵۶۶۸۲۲۲۲۲۲	قطره قطره خون شها ضامن لحظه لحظه زندگی بیپاراست